

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۰۹ * (۱۵ شوال ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) شور لایحه متمم لایحه انحصار تجارت خارجی از ماده ۸
- (۳) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس چهارشنبه سیزدهم اسفند ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند *

رئیس - آقای دادور
 دادور - قبل از دستور
 رئیس - آقای فهیمی
 فهیمی - قبل از دستور.
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (نمایندگان
 خیر) صورت مجلس تصویب شد
 بعضی از نمایندگان - دستور.
 [۲- شور لایحه متمم لایحه انحصار تجارت خارجی از ماده ۸]
 رئیس - ماده هشت قانون انحصار مطرح است.
 ماده ۸ - خارج کردن اجناس ورودی از گمرک
 که ورود آنها مقید بصدور محصولات ایران است مشروط
 بر ارائه تصدیق صدور محصولات ایران بمیزان مال التجاره
 ورودی که از گمرک خارج می شود قطع نظر از هویت
 صادر کننده خواهد بود ولی برای خارج کردن اجناس
 مذکوره فوق تا اول تیرماه ۱۳۱۰ ممکن است دعوی
 ارائه تصدیق صدور تعهد قابل قبول و مطمئن که منتها تا
 اول شهریور ۱۳۱۰ بمیزان مال التجاره ورودی تصدیق
 صدور محصولات ایران ارائه شود قبول گردد.

* عین مذاکرات مشروح چهاردهمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه. (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است:

غائب با اجازه - آقای آقا زاده سبزواری - غائبین بی اجازه - آقایان : تیور تاش - حاج محمد رضا بهبهانی - آشتیانی -
 اعظم زنگنه - ارباب کیخسرو - عدل - آقا رضا مهدوی - موقر - مسعود ثابتی - دکتر ضیائی .
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر امیر اعلم - طهرانچی - اسدی - بیات ماکو .

تبصره - دادن اجازه خروج از گمرک بنمونه‌های اجناسی که وارد گمرک شده است برای نشان دادن به مشتریان مجاز خواهد بود ولی درموقع خروج مجموع جنس نمونه‌های مذکوره نیز درجزه تعهدات واردکننده محسوب خواهد شد.

رئیس - آقای وثوق

آقای سید مرتضی وثوق - از این ماده بنده اینطور می‌فهمم که ماده سه این قانون يك مرحله بدوی دارد و ماده هشتش يك مرحله ثانی. مرحله بدویش اجازه ورود اجناس مال التجاره اصولاً به مملکت است ماده هشت تقریباً ورود اجناس را بگمرک و خروج آنها را از گمرک برتیبی که در این ماده تنظیم شده است معلوم میدارد پس همچو معلوم میشود که شخصی که میخواهد مال وارد کند در مرحله اول باید ببرد بوزارت اقتصاد ملی اجازه بدهد يك جواز ورودی تحصیل کند و بعد در مرحله ثانی همان مالی را که میخواهد از گمرک خارج کند باز باید تصدیق صدورش را ببرد در گمرک اجازه بدهد و آن مال را خارج کند پس این دو مرحله است آنوقت در ماده ده راجع به جواز که میگوید درموقع صدور مال جواز ورودی که میدهد باید آن تصدیق ورودی را ضبط کنند این آدم دیگر تصدیقی در دست ندارد که ببرد بگمرک اجازه بدهد که مال خودش را نوشته است قطع نظر از هویت صادرکننده دیروز عرایضی که بنده عرض کردم و آقای دشتی هم بکلی مخالف بودند و آن چیزی که بنده عرض کردم دفاع کردند حالا باز تشریح میکنم يك وقت شما شرط میکنید برای واردکننده جنس مقید باشد که هر مقداری که جنس وارد میکند بهمان مقدار هم صادر کند يك وقت شرط ورود را صدور قرار میدهند یعنی به‌میزانی که جنس وارد می‌شود بهمان مقدار باید جنس صادر شود اعم از اینکه آن شخصی که وارد کرده است صادر بکند یا اعم از اینکه آن جنس را دیگری صادر کرده باشد و او فقط تصدیق را اجازه بدهد این دو تا بنده نظرم این بود که هویت واردکننده جنس معلوم باشد که

شخصی که خودش جنس وارد میکند آن شخص ملزم باشد که جنس خارج کند نه اینکه برود جواز صدور یعنی دستور صدور از دیگری تحصیل کند و بیاورد ارائه دهد و بعد برای خودش جنس وارد کند زیرا این شخصی که ما باو جواز ورود دادیم رفته است تصدیق صدور از دیگری گرفته است خودش در مقابل این جنس واردی جنس صادر نکرده است این است و در اینجا که مینویسد قطع نظر از هویت صادرکننده بنده میخواهم عرض کنم که قطع نظر از هویت صادرکننده نباشد یعنی واردکننده با هویت خودش ملزم باشد که جنس صادر کند اینطور که از برای هر ورودی يك صدور باو بدهند هر کسی که جنس صادر کرده است او هم جنس وارد کند حالا برای چه؟ مقصود این نیست برای اینکه شخصی که جنس وارد کرده است جنس صادر نکرده است و دیگری جنس صادر کرده تصدیقش را آورده شما اگر نقطه نظرتان به تعادل واردات و صادرات باشد ممکن است این را مآخذ قرار بدهید. آنوقت عرض کردم این با ماده سیزده که می‌نویسد اشخاصیکه جنس صادر میکنند باید صدی صد اسعار خارجی بفروشند منافات دارد برای اینکه دیگر هیچوقت همچو چیزی محل پیدا نمیکند برای اینکه اشخاصیکه جنس صادر میکنند تصدیق صدورشان را بديگران میدهند که میخواهند جنس وارد کنند دیگر چرا می‌آیند صد درصد اسعارشان را بدولت بفروشند و این ماده اصلاً موضوع پیدا نمیکند مقصود من سر این ماده است که عرض میکردم باماده سیزده منافات دارد مقصود این بود که ماده سیزده مینویسد اشخاصیکه جنس صادر میکنند باید صدی صد اسعارش را بدولت بفروشند وقتی که ما شرط ورود را صدور قرار دادیم همان تصدیقی که دیگری باو داده که صد در صد اسعارش را بدولت بفروشد میاورد اجازه میدهد جنس وارد میکند بدون اینکه خودش جنس صادر کرده باشد پس قطع نظر از هویت صادرکننده را اگر از این ماده بر میداشتیم این مقصودی را که بنده عرض می‌کنم تامین می‌شود و همانطور که بنده دیروز عرض کردم مقصودمان این بود اشخاصیکه کلیتاً جنس وارد می

کنند یا صدی صد اسعار خارجی بفروشند یا در مقابل آن باصطلاح ... بعد آقای دشتی گفتند شما در ضمن بیان‌تان گفتید که سالی چند میلیون وقت جنوب که صادر می‌شود در مقابل آن جنس وارد کنند. بنده عرض کردم اشخاصیکه از وقت جنوب سهای دارند و منافی می‌برند ده‌سهم بیست‌سهم صدسهم دارند در سال مبلغی منافع می‌برند صدی بیست صدی سی مطابق این منافعتان یا بدولت اسعار خارجی بفروشند یا جنس وارد کنند مناسب ندارد اشخاصیکه امتیاز يك معدن دیگری را دارند یا سرب یا چیز دیگر چندین خروار سرب می‌خواهد خارج کند البته باید صدی صد اسعار خودش را بدولت بفروشد اما اگر شرکت در وقت دارد نباید منافعتش را صدی صد بدولت بفروشد. بنده عرایضم این بود بعد هم در ماده ده که مربوط باین ماده است عرایضی میکنم.

سیدیعی (کفیل وزارت اقتصاد مالی) - نظر آقای متوجه دو قسمت بود یکی اینکه میفرمایند ماده هشت با ماده ده يك مختصر تبیینی دارد (دشتی - ماده سیزده) نه اول ماده ده بعد هر دو چرا برای اینکه ماد در خاتمه ماده ده متذکر شده‌ایم که اداره گمرک تصدیق‌نامه‌های ورودی را ضبط میکند درموقع ورود جنس در صورتی که این تصدیق‌نامه‌ها برای تحصیل جواز قبلاً داده شده است ممکن است اینطور باشد ظاهراً ولی درست که مطالعه بفرمائید اینطور نیست برای اینکه حق تحصیل جواز میدهد البته ولی لازم این نیست که وقتی جواز میدهند تصدیق‌نامه را حتماً بگیرند پشت تصدیق‌نامه یاد در جایی که قبلاً معین شده یاد داشت میکنند که بر طبق این تصدیق‌نامه جواز داده شده است و دیگر این اعتبار دادن جواز را ندارد آنوقت همین تصدیق‌نامه را موقع ورود جنس به دفتر گمرک میدهد و جنس را رد میکنند و در حال اگر باز نظری باشد که مساعدت بکند عیبی ندارد پیشنهاد بکنید می‌آید در کمیسیون و مذاکره می‌شود نظر دیگر ایشان این بود که واردکننده کلیتاً صادرکننده باشد یعنی عمل صادرات و واردات يك طبقه اشخاص معینی اختصاص داده شود هیچ همچو نظری نبود ماهیچ همچو نظری نداشتیم که تجارکی

باشند و بچند طبقه تقسیم شوند کدام صادرکننده باشند کدام واردکننده باشند مابین نظر را نداشتیم مقصود ما تبدیل صادرات و واردات بود هر کس میخواهد این کار را بکند برای ما هیچ فرقی نمیکند علاوه این نظری که شما می‌فرمائید تمام تشکیلات اجتماعی و تجارتي را که برهم می‌زند. يك عده زیادی تجار هستند که فقط صادرکننده هستند و يك عده هم فقط واردکننده هستند ما بیایم تمام اطلاعات و معلومات و کار آنها را از شان سلب کنیم و بگوئیم صادر کردن و وارد کردن هر کدام مخصوص يك طبقه معینی باشد این معنی ندارد هر کس که جنس صادر کرد اگر استعداد و لوازم و اسباب کار و تجربه جنس وارد کردن را داشته باشد خودش وارد کند و هیچ تناقضی هم باماده سیزده ندارد برای اینکه در کمیسیون از بین رفت اسعارش را نخواهد فروخت و تعهدی خواهد کرد که مطابق این جنس صادر بکند اما اشخاصی که استعداد و تجربه وارد کردن ندارند و واردکننده نیستند خوب این تصدیق صدورشان را میدهند بتاجر دیگر که جنس وارد کند اینهم باز تناقضی ندارد باماده سیزده من نمیدانم دیگر کدام قسمتش تناقض دارد برای این که صادرکننده اسعارش را میفروشد بدولت وارد کنند که جنس می‌خواهد وارد کند آن اسعار را می‌خرد و جنس وارد میکند و بنظر بنده این بهتر است تا اینکه ما بیایم تمام تجارت را اختصاص بیک طبقه بدهیم و بگوئیم حتماً آن طبقه هم وارد کنند هم صادر کنند. (افسر - صحیح است)

رئیس - آقای موید احمدی

موید احمدی - چون دیروز که بنده عرایض خود را در ماده ۲ بعرض رساندم با اینکه از آقای مخبرخواهش کردم که بعرایض بنده توجه بفرمایند معلوم شد (از جوابهایی که دادند که بنده را قانع نکرد) یا اینکه عرایض بنده آنطوری که باید عرض شود بسمع ایشان نرسید یا بنده فرمایشات ایشان را نفهمیدم از این دو قسم خارج نیست عرض کنم بنده اعتراض این بود که ما شرط ورود مال التجاره خارجی را بخاک ایران صدور

مال التجاره از ایران قرار بدهیم و بسیار کار خوبی هم هست که باندازه وارداتمان صادرات داشته باشیم لیکن يك اشکالی بنظر بنده آمد و آن اشکال این است که صادر کننده بیشتر مال التجاره های ایران تجارتخانه ها و کمپانیهای خارجه هستند که اغلب آنها هم تجارت ورودی نمیکند آلان نمیکند بعضی میکنند بعضی نمیکند آنهایی که الشاعه تجارت ورودی نمیکند ماحق میدهیم بآنها و این کار را هم بآنها منحصر میکنیم که تجاری که مال التجاره صادر میکنند همانقدر وارد کنند این حق راهین آلان که ما میدهیم تجار ایرانی که وارد کننده هستند بی حق میکنیم پس باید کسبشان را ببندند و بروند دنبال کارشان مثل زدم در کرمان کمپانیهایی هستند که قالی میخرند حنا میخرند زیره میخرند پسته میخرند و اینها همه تبعه خارجه هستند تا بحال آنها معامله تجارت واردات نمی کردند فقط تجارت صادرات میکردند . عجالتاً حق دادیم بآنها که معادل این مبلغی که صادر میکنند واردات را هم وارد بکنند و آنوقت عرض کنم از سه قسم خارج نیست (دکتر طاهری - مجبور نیستند) (یک نفر از نمایندگان - اجازه دارند) عرض کنم مجبور که البته نیستند اجازه دارند که این کار را بکنند حالا این اجازه را یا خودش عمل میکند یا اینکه منتقل میکند به تجار وارد کننده مجانی میدهند؟ خیر يك پولی خواهد گرفت (طاهری - نرخ بازار) آنوقت اگر مقداری که خودش وارد کرده پولی نداده مقداری که تاجر وارد کننده از او خریده است البته پول داده آنوقت جنس او گران وارد میشود برای اینکه پولی که داده است باید بکشد روی قیمت جنس آنوقت بکلی ورشکست خواهد شد و از میان خواهد رفت فقط جوابی که آقای مخبر به بنده دادند فرمودند خیر منحصر نیست تجار صادر کننده به خارج ممکن است تجار داخلی هم باشند البته هستند لکن نه بآن مبلغی که آنها حمل میکنند بعلت اینکه اگر ما چهل و پنج میلیون صادرات داشته باشیم شاید چهل میلیون آن را آنها صادر میکنند و

حالا برمی گردیم بعد از این مقدمه باصل مطلب که آقا می فرمائید يك عده اشخاصی هستند که اینها صادر کننده هستند آقا می فرمایند خارجی بنده عرض کنم که خیر خارجی که از برای ما با داخلی در اینقسمت تفاوتی ندارد و نباید داشته باشد پس يك عده اشخاصی هستند که صادر کننده هستند ایراد آقا انوقت اینطور میشود باین عبارت در میاید که اگر نباشد شما واقعاً باین ترتیبی که ما قرار گذاشتیم بجا دهیم آنوقت شما میاید و يك کاری میکنید که صادر کننده ها تمام واردات را هم در دست خودشان میگیرند . فرمایش آقا این است ایراد تانهم باید این باشد . کاری هم نداریم از کدام ملت است . اگر نباشد فرضاً در این مملکت پنج نفر صادر کننده بود از فردای اجرای این قانون پنج نفر می خواهند بیایند و تمام واردات را در دست بگیرند این ترتیب مضر است ولو آنکه این پنج نفر تمام از آن ایرانی های صحیح النسب بی غلو و غش و عیبی باشند که تا زمان داریوش کبیر همینطور سلسله انسابشان برسد بخود داریوش با وجود این به عقیده بنده بد بود اگر این پنج نفر میامدند و این کار را در دست می گرفتند (صحیح است) صرف نظر از این ها می خواهم عرض کنم آیا اصلاً در این قانون يك ماده است که ازش این نتیجه بر بیاید؟ بنده خیال نمیکم و تصور میکنم که اشتباه از این جا حاصل شده که ما نوشته ایم بصادر کننده تصدیق صدور داده میشود . شد و بعد گفتیم از برای جواز ورود هم باید تصدیق صدور نشان داد . آنوقت بنظر این طور میاید که هر کس تصدیق صدور داشت باید حتماً بار جواز داد . بنده اصلاً در این قضیه تردید دارم که از مواد این طور بر آید . ما شرط را این طور قرار دادیم ولی اگر نباشد (فرض است دیگر) بنده که يك نفری هستم که تا دبروز هیچ تجارت نمیکردم باینکه تجارت خیلی مختصری داشتم اگر بنده موفق شدم و آدم فردا تمام تصدیق صدور بیکه اشخاص داشتند ازشان خریدم .. بلی صادر کننده ها را هم رقم دیدم

و تصدیق های صدورشان را هم دیدم دولت باید بیاید و تمام واردات مملکت را بدهد بدمت من! تخیر . نباید بدهد . برای اینکه يك عده زیادی از افراد مملکت را در ساک از کار خواهد انداخت برای اینکه احتکار باطلیمه بیش میاید و ایجاد میشود (صحیح است) پس این مسئله را با هم نباید مخلوط کنیم یعنی این دو سه مسئله را . باید بهر کس که جواز میدهیم تصدیق صدور مطالبه کنیم چرا؟ برای اینکه بدانیم جنس از مملکت صادر میشود برای اینکه معادله صادرات و واردات مان درست شود . اما نه اینکه هر کس تصدیق آورد ما مجبور باشیم حتماً بسدهیم در این قسمت است که عرض میکنم لازم نبوده و نمی بایستی هم در این مواد ما خیلی داخل جزئیات بشویم و اینجا تمام اطرافش را معین کنیم . در اینجا بعقیده بنده باید دست دولت يك قدری باز باشد تا اگر يك عده بخوانند احتکار کنند و تمام واردات را منحصر بخودشان بکنند جلوگیری کنند و بآنها جواز ندهد . آن شخص وقتی که باطلیمه دید که از يك حد معینی بیشتر بهش جواز داده نخواهد شد مجبور خواهد شد تصدیق خودش را بفروشد و اگر بيك قیمت عالی فروخت اشخاص هم تحمل خواهند کرد که تا سه ماه بگذرد و چون سه ماه گذشت دیگر اعتبار ندارد و دولت خودش آنوقت آن چیز را خواهد داد بنا براین سعی خواهند کرد که باینکه قیمتی که زیاد نباشد آن جواز را باشخاص دیگری انتقال بدهند . يك ایراد دیگری آقا کردند که آن ایراد هم بعقیده بنده وارد نبود فرمودند تصدیق صدور را وقتی فروختند البته وارد کننده قیمتی را که داده است برای تحصیل تصدیق صدور روی جنس کشیده و بنا براین آن جنس گران تر میشود این ایراد تازه مربوط بخارجه و غیر خارجه نیست مربوط بهمه است و کلی است . بنده این ایرادشان را الان باین عبارت در میآورم که تصدیق صدور در صورتیکه دارای قیمت شود مضر است . مطلب ایشان این بود . یعنی تصدیق صدور اگر روش قیمت گذاشتند قیمت جنس

گران تر میشود. این کلیت دارد و اختصاص بان تصدیق صدوری که در دست خارجی است ندارد. در دست هر کس که باشد گران میشود. زیرا وقتی تصدیق قیمت پیدا کرد بالطبع آن کس که خریده است آن پول را روی جنس خودش خواهد کشید. البته این ترتیب این عیب را دارد ولی خوب حالا به بینیم جنبه بهتر و مفیدتری ندارد؟! البته هر عملی آقا دارای جنبه های مختلط است ممکن است درش يك فوایدی بروز کند و از طرفی هم يك ضرر هائی داشته باشد.

وقتی شما تصدیق صدور را دارای قیمت کردید مسلم است که وارد کننده که تا دیروز از برای وارد کردن محتاج بگرفتن تصدیق و پرداخت يك مبلغی در مقابل آن نبود امروز که اینکار را میکند ناچار است آن قیمت را روی جنس بکشد ولی از طرف دیگر فائده که این ترتیب در تشویق صادرات دارد آیا كوچك است بنده خیال میکنم این کار يك قسم مشوق و محرکی است برای اشخاصی که در صادرات کار می کنند و داوطلب اینکار بوده اند. زیرا يك فایده مهمی برای آنها که تا بحال نداشته اند حاصل می شود و حالا میبرند. البته آقایان شنیده اند و همه آقایان میدانند که در خارجه معمول بوده است که در بعضی مواقع برای بعضی مال التجاره ها مخصوصاً دولت ها يك بریم و جایزه هائی میدادند بان اشخاصیکه آن جنس ها را صادر کنند و علت آنکه دیده می شد در سابق که قیمت يك مال التجاره در بازار داخله خود آن مملکتی که آن جنس را صادر میکرده گرانتر بوده تا در خارجه برای همین بود که دولت بان اشخاصیکه آن جنس را صادر می کردند يك جائزه میداد خوب. حالا ما آمده ایم عوض اینکه دولت بریم بدهد این بریم و جائزه را ما بان صورت در آورده ایم که هر کس که جنس صادر کند بتواند آن تصدیق خود را ببرد و بفروشد و يك پولی هم بگیرد و فایده ببرد بنده خیال میکنم این تشویق صادرات است و لول آنکه عرض کردم

واردات را يك خورده گران بکنند ولی بدیهی است اضافه قیمتی که روی جنس میاید خیلی گران نخواهد بود چرا برای اینکه نمی توانند آن تصدیق صدور را بهر قیمتی که بخواهند بفروشند. اگر خواستند از آن حد تجاوز کنند مدت میگذرد. برای اینکه اشخاصی میدانند این تصدیق صدور بعد از سه ماه دیگر اعتبار نخواهد داشت و آنوقت اگر باصرار هم بفروشند دیگر کسی نخواهد خرید ولی اگر بيك مبلغ کمی برای این تصدیق در این مدت تقاضا کند بانها داده میشود و این اشکالی هم ندارد بلکه بعقیده بنده مفید است. بنابراین بنده خلاصه میکنم اعتراض آقا را. این است که اگر بخواهیم بگوئیم و در صورتیکه تصور کنیم تصدیق صدور در دست هر کس که بود حکماً با جواز بدهیم بنده عرض میکنم در این تردید دارم برای اینکه این ماده را باید گذاشت و در موقع عمل دیده شد که ماده بطوری است که نوشته شده که تاب هر دو صورت را دارد یعنی اگر در موقع عمل دیدیم يك اشخاصی میخواهند واردات را منحصر بخودشان بکنند البته آنوقت از يك راه دیگری جلوگیری میکنیم و نمی گذاریم واردات بدست چند نفر بیفتد یقین دارم تمام آقایان در این قسمت باینده موافق هستند که نباید واردات بدست عده معدودی بیفتد اگر در آن قسمت دیگر ایرادشان وارد شویم که مسئله تصدیق صدور و قیمت آن است. آنگاه عرض کردم که اولاً این منحصر بخارجی ها نیست و کلیت دارد وقتی تصدیق صدور قیمت پیدا کرد جنس قدری گران میشود آن ایراد قدری وارد است ولی از طرف دیگر فایده اش يك تشویقی است از صادرات.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم اولاً بنده در عبارت تصد سوئی نسبت بخارجی ها نداشتم بلکه خیلی متشکرم از آنها که تاجر صادر کننده هستند و اگر در عبارت بنده سوء تفاهمی شد و آقای وزیر عدلیه توضیح فرمودند

این است اگر این ماده همین طور باشد قدری جلوگیری میشود از آن نظر اول و نظر دولت هم تامین نمیشود مگر اینکه قدری اصلاحش کنند

وزیر عدلیه - پیشنهاد بدهید در کمیسیون دقت میشود (کافی است)

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

تبصره ذیل را بماده ۸ پیشنهاد میکنم:

تبصره ۲ - خارج کردن اجناسی که قبل از ششم اسفند ۱۳۰۹ بگمرک وارد شده مقید ب ارائه تصدیق صدور با تعهد ارائه تصدیق صدور نخواهد بود.

پیشنهاد آقای حاج میرزا حبیب الله امین

ماده ۸ را بنده اینطور پیشنهاد میکنم

خارج کردن کلیه اجناس ورودی از گمرک که ورود آنها مقید بصدور محصولات ایران است از اول تیر ماه ۱۳۱۰ شروع و عملی خواهد گردید و برای تا اول تیر ماه ۱۳۱۰ ممکن است در عوض ارائه تصدیق صدور تعهد قابل قبول و مطمئن که منتها تا اول شهریور ۱۳۱۰ بمیزان مال التجاره ورودی تصدیق صدور محصولات ایران ارائه شود قبول گردد

رئیس - ماده نهم قرائت میشود:

ماده ۹ - باستثنای موازاتی که دولت خود متصدی صدور محصولات ایران شده یا حق انحصاری صدور خود را عملاً بکسی دیگر واگذار نماید صدور سایر اجناس مقید به هیچ قیدی جز الزاماتی که قانوناً در موقع صدور باید رعایت شود نخواهد بود.

(معارضی بود)

رئیس - ماده ده قرائت میشود:

ماده ۱۰ - در موقع صدور محصولات ایران اداره گمرک مکلف است که مخصوصاً محصولات را که صدور آنها بر طبق این قانون اجازه ورود اجناس خارجی را میدهد بدقت تقویم کرده و قیمت حقیقی صادرات مزبور

خود بنده هم عرض میکنم هیچ قصد و نظر سوئی بخارجیها نداشتم بلکه چنانچه عرض کردم خیلی از آنها متشکرم که قلم بزرگ صادرات ما را آنها صادر میکنند ولی نظر بنده صرف نظر از ملیت (میخواهد خارجی باشد یا داخلی) همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند در صادر کننده و وارد کننده بود (ملیت هر کس باشد) اما نظر اول بنده را که آقای وزیر عدلیه تصدیق فرمودند و تأمین شد بعلمت اینکه فرمودند جواز ورود را منحصرأ بصادر کننده ها نمیدهیم و دولت البته در نظر میگیرد که مونوپول اشخاصی نشود در قسمت دوم فرمودند برای تشویق صادر کننده است. بند استدعا میکنم این پری خیلی زیاد نباشد که تجار داخله از میان بروند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقای امین

حاج امین اصفهانی - البته بنده با فرمایشات آقای

وزیر عدلیه موافقم ولی يك قسمتی که فرمودند تجار داخلی و غیر داخلی فرقی ندارند. بنده عرض میکنم در همه جا این طور نیست برای اینکه يك جا هائی است که تجار ما هم در آنجا ها می توانند تجارت کنند و تجار آنها هم در داخله ما تجارت می کنند خواستم تذکر بدهم که ما با همه ممالک این طور نیستیم زیرا يك ممالکی هستند که تجارشان در مملکت ما تجارت می کنند ولی تجار ما در آنجا ها نمیکنند (صحیح است) يك قسمت دیگر اینکه تصدیق صدور را اگر باید هم بکسی که همه را از تجار خریده و می خواهد تمام اجناس وارداتی را خودش وارد کند این جلوگیری می کند. و بعلاوه این با عبارتی که بطور تصریح و تفصیل در ماده ده نوشته شده مخالف است. در آنجا می نویسد: «تصدیق نامه های مذکور در ظرف سه ماه حق تحصیل جواز ورود اجناس مذکوره در فقره ۱ ماده ۵ را معادل مبلغ صادرات به ارائه دهنده میدهد» این جا معین نکرده که ارائه دهنده که باید باشد چه باشد انحصار میکند نکند مقصود

را مطابق نرخ محل دفتر صدور معین نماید مبلغ صادرات مزبور و اسامی صادرکنندگان و مقصد صدور در دفاتر مخصوص ثبت خواهد شد و برطبق تقاضای صادرکننده از طرف گمرک تصدیق صدور با ذکر مبلغ اجناسی صدوری و اسم صادرکننده و مقصد صدور داده می شود تصدیق نامهای مذکور در طرف سهام حق تحصیل جواز ورود اجناس مذکوره در فقره (۱) ماده ۵ را معادل مبلغ صادرات بارائه دهنده میدهد و در موقع دادن جواز ورود تصدیق نامهای صدوری ضبط خواهد شد. در صورتی که تا اقتضاء سهام تصدیق نامهای مذکور برای تحصیل جواز ورود ارائه نشود از درجه اعتبار ساقط بوده و معادل صادرات معینه در تصدیق نامها خود دولت میتواند اجازه وارد کردن اجناس ورودی مذکوره در فقره (۱) ماده ۵ را بهر کس که میخواهد بدهد طرز تقسیم واردات مزبوره و میزانی که بیک شخص یا مؤسسه اجازه داده می شود و طرز تقویم مال التجاره های ورودی و صدوری و تعیین مقومین و محل تقویم بر طبق نظامنامه مخصوصی بعمل خواهد آمد اجناس ورودی نیز مطابق قیمت محل دفتر ورود تقویم خواهد شد

رئیس - آقای طهرانی

میرزا حسین خان طهرانی - عرض کنم اولاً چون همانطور که آقای وزیر عدلیه اظهار داشتند ممکن است از مذاکراتی که شده این طور بنظر آید که یک نظر بدی مثلاً نسبت به تجار خارجه باشد خیر. این طور نیست ولی ناچارم بنده یک مطلبی را عرض کنم. چون امروز یک روزی است که ما میتوانیم مطالب را بگیریم. ما با خارجی ها اقلاً معامله متقابله که باید داشته باشیم. اگر امروز نداشته باشیم پس کی خواهیم داشت؟ اگر یک مملکتی غیر از ایران به تجار ایرانی اجازه ندهد که در آنجا افراد ما تجارت بکنند آیا ما حق نخواهیم داشت که به تجار آنها حق ندهیم که آزادانه در مملکت ما تجارت کنند؟! آیا معنای معامله متقابله همین نیست؟!

دولت و گمرک فراهم میشود. ولی ممکن است همان صادرکننده را الزام بکنید یا یک چیزی اینجا اضافه کنیم که جنسی را که خارج میکند و آن مؤسسه که آن جنسی را بفروشد آن یک سندی، یک نوشته یک چیزی دارند (آقایان تجار اصطلاحش را میدانند) همان را ارائه بدهند و مأخذ صدور قرار دهند. بنده در این ماده نظر این است.

وزیر عدلیه - در قسمت اول فرمایشات آقایان میخوام مذاکره کرده باشم البته یک تذکری بود که بنده دادم که در خارج سوء تفاهم نشود بعد آقایان هم یک تذکری دادند که دولت البته بهم تذکرات مفیده آقایان گوش میدهد و در نظر خواهد گرفت. اما راجع بقسمت دوم و تقویم مال التجاره که صادر می شود اولاً بنده میخوام فکر آقایان را باین قسمت جلب کنم که این تقویم اساس تعادل ماست اگر فرض بفرمائید آن طور که باید تقویم بشود نشد و یک قیمت سرسری از برای یک مال التجاره معین کردند و یک قیمت بیشتر از برایش فرض کنیم مخصوصاً در مواردی که صادرکننده خودش میخواهد جنس وارد کند و یک مال التجاره که یک قیمت معینی است این را آمدند و دوبرابر آن وارد کردند البته در این جا شاید یک گمرک اضافی بشود ولی چون گمرکی که برای صادرات داده می شود خیلی کم است منفعت شاید در این باشد که قیمت یک جنس را در بعضی موارد زیاد بگویند که بعد تصدیق صدوری را زیاد بگیرند اگر ما در اینجا دقت و تقویم نکنیم ممکن است که بعد از تمام این صحبت هایی که این جا میشود و زحماتی که آقایان بخود داده و میدهند و اقداماتی که دولت میکند تازه ما از روی رقم و حساب صنایعی تعادل را ایجاد کرده باشیم و موفق نشویم که به آن مقصود برسیم و تعادل را صحیح نگاه داریم یک جنس کمی صادر کرده ایم و اضعاف آن را آورده ایم. پس باید در تقویم دقت کرد حالا که خواستیم تقویم بکنیم بدقت بکنیم. البته یک اعتراضی آقا کردند که آن بجای خودش صحیح است باید برای آنها یک فکری کرد آنرا هم کرده ایم. و آن عبارت از این است که امروز مال التجاره را تقویم میکنند میفرستند به خارجه این مال التجاره در آن موقع شاید در بازار ایران

قیمتی را که از برایش معین کرده اند داشته است ولی وقتی که رفت در بازار خارجه به آن قیمت مشتری پیدا نکرده و کمتر از آن مشتری پیدا کرده (این فرضی است) همینطوری که گفتند ایراد وارد بود. وقتی که جنس را بردند بخارجه سه عشر مثلاً کمتر از آن چیزی که تقویم کرده اند شد پس بنا بر این باید یک فکری برای آن تاجری که جنس را صادر کرده و تمهید کرده است که صدی صد کلیه اسعاری که در مقابل این قیمت است پردازد نمود یعنی معادل این قیمت اسعار خارجی باید بشما تحویل بدهد باید برای این تاجر یک فکری کرد. اگر فرضاً بموجب تقویمی که شده است لازم است هزار لیره بدهد و بعد آمد دو بیست لیره فرضاً ضرر کرد و هشتصد لیره را بیشتر نتوانست بدهد آنوقت چه میکند؟ تاجری که این دو بیست لیره را ضرر کرده از کجا تهیه کند و بدهد؟ بسیار خوب. برای اینکه بتواند اسعار تهیه کند دولت یک راهی باقی گذاشته و آن قسمتی از ماده است که میگوید دولت میتواند بعضی از صادرکنندگان را کلاً یا از یک قسمتی از اسعار خودشان معاف بدارد،

اگر یک تاجری واقعاً ضرر کرد و یک اسناد صحیحی هم داشت و آن اسناد صحیح را آورد و ارائه داد آنوقت دولت میگوید آن مقداری که ملتزم شده و از آن مقدار اسعاری که تمهید کرده او را معاف دارد. اصل تجارت که بر روی ضرر نیست. اصل را ما باید روی تقویم بگذاریم و آن مواردی را که اشخاص مدعی هستند که ما ضرر کرده ایم آن مواد را ما استثناء کنیم و در نظر بگیریم. اما صحبت سر آن اسناد صحیح است.

رئیس - آقای فرشی

فرشی - عرض کنم این ماده از مواد مهم این قانون است و مخصوصاً فقراتی دارد که از غفلت بشود ممکن است در نتیجه موجب ضرر صادرکننده و واردکننده شود.

طهرانی - یک قدری بلند تر.

فرشی - یکی از مسائل مهم این ماده تقویم مال

این را که حق داریم پس اگر حرفی هم در این جا زده شده روی همین نظر بوده است. بحمد الله امروز دولت مقتدر است. همه ان میدارید آگاه و مطلعید. این جهات را کاملاً رعایت و ملاحظه کنید که هرطور با ما معامله میکنند همان طور هم شما که دولت و سرپرست ما هستید یک کاری بکنید که ما هم با آنها همان معامله را بکنیم و الا البته تاجر صادرکننده چه داخلی باشد چه خارجی باشد فرقی نمیکند. اما در این ماده ده این جا یک عبارتی دارد که جنس های صادره در گمرک قیمت می شود و قیمتش را که معین میکنند (ساده اش این است) این را ندیده نمی فهمم. گمرک چه طور قیمت معین میکند این را بنده نمی فهمم برای اینکه اجناسی که از مملکت صادر می شود چندین قسم است. چندین دسته میشوند. اینها وقتی که از گمرک خارج میشود گاهی میشود که یک تاجری یک جنسی را باعتبار اینکه در اروپا یک قیمت های زیادی دارد خارج میکند ولی وقتی که رسید به آن محل از سایر نقاط عین همان جنس را به آن محل وارد میکنند آنوقت قیمت این جنس ارزان تر می شود آنوقت قیمتش را چه طور معین میکنید؟ این چه چیز است. مگر اینکه بنده اینجا تصور کنم شما دو کار میکنید یا قیمتا تخمینی معین می شود یا اقلاً ورقه فروش چون این جنس را که خارج میکنند در یک جائی فروش میرسانند فروش هایی که در خارج می شود مثل فروش های ایران نیست. یک نوشته یک چیزی دارند که ارائه بدهند (حالا بنده آن اصطلاحش را نمیدانم) آن تصدیق نامه فروش مثلاً سند فروش در بندر هامبورگ را یا فرض بفرمائید مال قطعه دیگر را ارائه بدهند و آن قیمتی که جنس را بفروش رسانده آن را ممکن است میزان صادرات قرار دهید بعد از خرج و کرایه و چه و چه (توجه بکنید) ولی اگر پایه و میزان را در گمرک بگیریم که گمرک قیمت تعیین کند قیمت جنس را و بعد جواز صدور بدهید باز همان طور که عرض کردم (حالا نمیخواهم تکرار کنم) عقیده بنده این است که تولید اشکال میشود. گمرک کم تقویم میکند. زیاد تقویم میکند اسباب زحمت و دردسر

است. در ماده تصریح نمیکند که آن تقویم در کجا خواهد شد. اگر در محل آن مالی که بدست میاید تقویم میشود...

طاهری - نوشته در گمرک.

فرشی - برای اینکه این تقویم عملی باشد معلوم است که در مراکز گمرکی باید بعمل آید. فرض بفرمائید یک فرشی یا یک بادامی از بندر پهلوی خواست خارج شود این تقویم باید در بندر پهلوی شود یا در جلفای ایران. آیا آن اشخاصی که برای تقویم خبره هستند اینها تجارند یا دولت خودش یک خبره هائی معین می کند؟ معین نیست اگر تجارند آیا در بندر پهلوی تاجر خبره برای تمام مال های صادره هست یا نیست؟ این هم یک سؤالی است که نمیدانم جوابش چیست؟ (کازرونی - رجوع بسابقه بکنید) این مسئله موجب زحمت است. اگر ما در مملکت خودمان مثل سایر ممالک بورس داشتیم (نه اینکه برای هر مالی) البته آقایان بهتر میدانند در اروپا برای هر مالی یک بورسی است. برای قهوه یک بورس فروشی است و هم در آن محلی که میخواهند آن قهوه را بفرستند در همان شهر هم یک بورسی است تاجر بورس فروش و بورس خرید را در جرائد تجارتی معین می کند و اگر صرفه داشت میفرستد و الا هیچ. در مملکت ما بورس نیست حتی بورس نقدی هم نیست. یک بانکی بورس نقدی را معین میکند که آن قیمت قیمت حقیقی مطابق بورسهای دنیا نیست. ولی در ممالک متمدنه این طور نیست. برای بنه کتیرا برای فرش، برای تمام چیزها بورس است. ولی در مملکت ما برای هیچ چیز بورس نیست پس ما باید رجوع کنیم به خبره این خبره ها باید در محلی ساکن باشند که آن مال التجاره یا وارد آنجا میشود یا صادر میشود. من گمان میکنم در آن نقاطی که مراکز گمرکی و محل صادر و وارد است اشخاصی باشند که در تمام اقسام مال التجاره ها خبره باشند. اینها اشکالاتی است که این قانون تولید خواهد کرد. و نمیدانم چگونه حل

میشود؟ قسمتی که من خیلی مهم میدانم قسمت اخیر این ماده است. که مینویسد (در میزانی که بیک شخص یا مؤسسه اجازه داده میشود و طرز تقویم مال التجاره های ورودی و صدوری و تعیین مقومین و محل تقویم بر طبق نظامنامه مخصوصی بعمل خواهد آمد) عرض بنده در سر نظامنامه است غالباً متاسفانه مادیده ایم که نظامنامه هائی که برای هر قانونی در وزارتخانه می نویسند روح قانون را کنار میگذارند یک نظامنامه می نویسند که در موقع عمل روح قانون را می بینیم ملاحظه نمیکنید و طرز اجرا و قسمت منفعت آنرا ملاحظه می کنند این است که اشکالات پیدا میشود و حتی بعضی اوقات شکایت می کنند به وزارتخانه از اعضاء که مسئول میشود میگویند ما مامور اجرای نظامنامه هستیم بقانون کاری نداریم. این است که غالباً دیده شده و در مجلس شورای ملی هم سابقه دارد که هر قانونی که خیلی مهم است نظامنامه آن در کمیسیون مربوطه خودش نوشته میشود مثل نظامنامه قانون بلدییه ها که در کمیسیون داخله نوشته شد برای اینکه بهتر دقت شود و چون این قانون مهم ترین قوانینی است که تا حال در تاریخ ایران پیدا شده و به مجلس شورای ملی آمده است عقیده بنده این است که نظامنامه این قانون هم با تصویب کمیسیون اقتصاد ملی باشد تادر موقع اجرا و عمل دچار مشکلات و موجب خسارت صادر کننده و وارد کننده نشود. این عقیده بنده است.

دشتی (مخبر کمیسیون اقتصاد ملی) - خود آقای فرشی عضو کمیسیون اقتصاد در کمیسیون این مسئله کاملاً بحث شده است و در مسئله تحقیق شده. قسمت اول راجع به تقویم بود که فرمودند محل تقویم را کجا معین میکنند در این موضوع یک نظر این بود که در گمرکها معین کنند. یک نظر بود که در مراکز ایالات و ولایات معین شود. هر دو یک اشکالاتی داشت. از این جهت موکول شد باینکه این مسئله با نظر اداره گمرک در نظر گرفته و معین شود آنطوری که بنظر بنده میرسد تقویم کردن اجناس ایران خیلی اشکال زیادی ندارد.

کازرونی - خیلی اشکال دارد.

دشتی - عرض میکنم برای اینکه اجناس ما یک قلم های معدود محدودی است که در اغلب بازارهای دنیا قیمتش معین است. چند قلم بیشتر نیست و تمام تجار در بازارها اطلاع دارند و آن اندازه که دولت در نظر دارد این است که در این کار شرکت دهد با اداره گمرک و اطاق های تجارت و بالطبع باهل خبره. اولاً خبره ها معمولاً اشخاص مطلعی هستند و ثانیاً ممکن است که نظر اهل خبره را که عبارت از تجار باشند جلب کنند بنظر بنده مثلاً اجناس ایران آنقدرها اهمیت ندارد برای اینکه فرض بفرمائید کتیرا را میفرستیم به بندر پهلوی. کتیرا قیمتش در بازار رشت و طهران معلوم است و اگر تفاوت داشته باشد در منی ده شاهی الی سی شاهی تفاوت دارد بیشتر از این تفاوت ندارد. خوب فرض کنیم که کتیرا ها هم مختلف باشند مستخدمین گمرک کور نیستند و اینقدر هم احمق نیستند که فرق نگذارند. (کازرونی - آقا اینطور نیست - اطلاع ندارید) شما مطلع نیستید از امر تجارت! عرض میکنم در قسمت مقومین بنظر بنده اشکال زیادی ندارد. آقا در قسمت نظامنامه عرض میکنم این جا که نمیشود تمام جزئیات و نکات فرعی را هم در قانون معین کرد در قانون باید چیزهای کلی را معین کرد. جزئیات را باید در نظامنامه معین کرد. حالا میفرمائید بعضی از نظامنامه ها مخالف قانون است بعقیده بنده اگر اینطور شد مجلس موجود است و باید دولت را استیضاح کنند که چرا یک نظامنامه نوشته که مخالف با روح قانون است. نظامنامه را باید هیئت دولت بنویسد و نظامنامه همیشه عبارت است از تفصیل اجرای یک قانونی اگر دولت تواند یک نظامنامه بنویسد که معین روح قانون باشد تا مجلس شورای ملی است که از آنها بازخواست کند به عقیده بنده نظامنامه هم لزوم ندارد باینکه کمیسیون اقتصاد ملی برای اینکه نظامنامه معمولاً در هیئت وزراء می رود و در آنجا بحث میشود

ممکن است آقای فرشی پیشنهاد بکنند که نظامنامه کار هم به کمیسیون اقتصاد بیاید

رئیس - آقای پاسانی

پاسانی - عرض میشود مسئله قیمت اجناس و تقویم و اینها آنقدرها مورد نظر بنده نیست زیرا که یک جائی بعقیده بنده باید تقویم بعمل بیاید و بجای مصوب و محفوظ هم اداره گمرک است و اتفاقاً بیاناتی که آقایان فرمودند له و علیه همه اش را میشود ایراد کرد. هم آنهایی که به له صحبت کردند هم آنهایی که به علیه صحبت کردند زیرا که غالباً صادرات ما بقیمت فروش فروش نمی رود اغلب صادر میکنند برای اینکه تلافیش را در واردات بکنند قالی را میداند که از اینجا صادر کند ضرر میکند برای این میرد که آن چیزی را که عوضش می آورد طوری بیاورد که منفعت کند و تلافیش را بکند بعد از این قانون بخصوص اینطور خواهد شد صادرات را بضرر میرند برای اینکه از واردات منفعت ببرند ولی چون یک چیزی از مملکت صادر می شود و بالاخره پول می آید در این مملکت خوب است و در اینجا باید مراعات بشود و چیزی را که بنده میخواهم عرض کنم خوب این یک فکری است برای بنده پیش آمده است و شاید هم آقای وزیر عدلیه و کفیل اقتصاد و سایر آقایان وزراء بیشتر مطالعه کرده اند و بنده کمتر در این مواد مطالعه کرده ام شاید فکرم نحیف باشد حالا بحث می کنیم بنده در این ماده که نگاه کردم دیدم که این ماده ممکن است مقصود ما را تأمین بکنند بدون اینکه مشکلاتی برای مردم تولید شود یا نه؟ این هم خودش یک فکری است ما یک مرتبه می بینیم که ورود موکول بصدور است یک مرتبه می بینیم برعکس صدور موکول بصدور است پس از مجموع این قانون اینطور مستفاد میشود که ورود موکول بصدور است یعنی کسی باید وارد کند مال التجاره ب مملکت که یک چیزی صادر کرده باشد و قتی اینطور شد آن نقطه نظر و منظور ما که تعدیل صادرات و واردات است از همینجا تأمین میشود دیگر برای چه مسئله جواز را معین کرده اند بنده نمیفهمم

و قتیکه ما با اداره گمرک گفتیم تقویم درست تو هر کس تصدیق صدور در دستش بود بقیمتی که تو خودت معین کردی بهمان اندازه هم حق دارد وارد بکند معادله بالاخره در اینجاست معادله را در جای دیگر که نمیتوانیم حفظ بکنیم معادله بالاخره در اینجا حاصل میشود دیگر صدور جواز یعنی چه، جواز دولت بدهد، بنده تاجر هشتم که يك مال التجاره را میخواهم صادر کنم صادر هم کردم بعد هم باندازه که در گمرک تقویم شده است مال التجاره هم وارد مملکت میکنم اگر مقصود شما از مجموع این قانون تبدیل صادرات و واردات است از همینجا حاصل میشود جای دیگر که نیست فقط يك حدی دولت معین می کنند که تا این حد شما باید وارد کنید آنوقت من تاجر میفهمم چه چیزهاست که اصلاً دولت اجازه نمیدهد و در حدی که اجازه ورود میدهد را جمع به مال التجاره های معین محدودی باندازه که هر کس صادر کرده است یا تصدیق صدور کسی را خریده است حق دارد مال التجاره وارد بکند معادله هم حاصل میشود بنده فلسفه اینکه دولت بیاید يك مداخلات بیشتری بکند مامورین با مردم تماس پیدا کنند مراجعات و مذاکرات تجار مرکز و لایات بیشتر شود موجبی ندارد اگر بتوانیم يك طرق و وسائل ایجاد کنیم که زحمت مردم کمتر شود بعقیده بنده بهتر است در صورتیکه مقصود هم تامین شود ممکن است گفته شود که خوب موضوع اسعار خارجی از بین میرود چون گفتیم اسعار را باید بیابند بدولت بدهند بالاخره و قتیکه خیلی انسان دقیق میشود در این مواد می بیند که موضوع اسعار تابع تعادل صادر و وارد است برای اینکه بنده صادر کننده بقیمت جنس صدور خود مال التجاره وارد می کنم دیگر این اسعارش را بدهم بدولت و دولت در مرتبه پس بدهد بمن این يك عمل زائدی است که دولت می کند برای اینکه ما گفتیم باندازه مال التجاره صادر وارد کنیم پس بهمان اندازه صدور اسعار را دادم بدولت اجباراً الزاماً قانوناً و دولت هم مکلف است وقتی تصدیق صدور مرا دید اسعار بمن بدهد همان



خیلی از جهاتش را با اینکه قیمت در دست ادارات گمرک است و اینکه صادر و وارد را معادله اش را این ماده تامین میکند و اینکه مسئله اسعار خارجی تبع این قسمت است و اینکه هر تاجری هر وارد کننده اسعاری که خودش داده دو مرتبه بیاید پس بگیرد فایده مسئله اسعار و جواز و تولید مزاحمت برای تجار جهت این را بنده نمی فهمم خیال میکنم که ممکن است قضیه را تفکیک کرد بدون اینکه بگوئیم که اعمار اختصاص بدولت دارد بدون اینکه بگوئیم باید جواز تقسیم بکنند گفته شود هر کس صادر کرد در حدی که دولت اعلام کرده همان اندازه هم از آن چیز هائی که دولت اعلام کرده حق دارد وارد کند این عرض بنده است **کفیل وزارت اقتصاد ملی** - يك مطلب را اگر درست دقت کنیم اشکال مرتفع میشود و آن این است که در قسمت اول فرمایشاتشان فرمودند آیا صادرات مربوط ب واردات است یا اینکه واردات مشروط ب صادرات است بنده تصور میکنم که اشکالشان از این تردید مرتفع شود صادرات بطوریکه دیروز بنده در اینجا توضیح دادم هیچ مانعی ندارد آن چیزی که مانع دارد واردات است واردات تابع صادرات است اول باید صادر کرد بعد وارد کرد پس صادرات ما اشکالی ندارد هر قدر جنس ممکن است داشته باشیم و هر قدر در بازارهای دیگر جنس خریدار داشته باشد صادر کنیم. بنا بر این این مسئله که اگر صادرات را زیاد کردیم و گفتیم همان اندازه که جنس صادر کردند وارد آوردند ممکن است بیش از احتیاج محل هم واردات داشته باشند این نقض غرض ما را نمیکند ممکن است ما حاجت مملکت را با جناس خارج تعیین بکنیم همان اندازه اجازه بدهیم وارد شود اگر مثلاً صادرات زیاد داشتیم چه عیب دارد اسعار بیاید. این يك مطلب نکته دیگر که میفرمایند اصلاً چرا جواز بدهیم انکسی که تصدیق صدور درست داشته باشد می آورد بدولت میدهد و تعادل هم از بین نمیرود این فرض را نمیفرمائید که همین تصدیقها را جمع کنند و نروند جواز بگیرند و قتیکه نرفتند جواز بگیرند آنوقت

آن قاعده آن حدی که در طرف سه ماه اعتبار دارد از بین میرود آنوقت تصدیق میماند برای مدت نامحدود و قتیکه این تصدیقها را جمع کردند آنوقت این وسیله احتکار نمیشود که تصدیقها را جمع بکنند و مملکت در مضیقه عدم واردات کمی واردات بیفتد؟ ولی اگر جواز بگیرند در اینجا مقیاسی بدست میاید که ما بتوانیم تقییش کنیم و آن سه ماه را ابلاغ بدهیم و جواز را لغو کنیم بعلاوه برای اجناسی که وارد میشود این مطلب در کیسیون خیلی بحث شد يك حد اعلامی مثلاً میگوئیم قند یا پارچه حد اعلائی ورود پارچه محدود است به پنجهزار عدل همینطور قند يك حد نصابی دارد که حد اعلائی معلوم است که دولت البته باید حساب این کار را داشته باشد که به حد اعلائی رسیده است بانه و واردات از این حد تجاوز کرده یا نکرده و بالاخره تا آن حد معین وارد شده یا نشده بالاخره تمام این حدودی که معین کردیم اینها همه مستلزم این است که ما يك مقیاسی درست داشته باشیم والا نمیتوانیم که يك جا دیدیم جنس زیاد است برای میزان وارد و صادر در دست گرفتن اینتها کافی نیست باید ما به بینیم که از آن حد اعلائی تجاوز کرده یا نکرده بی حساب که نمیتوانیم جنس وارد کنیم (یا سائی - هر هفته گمرک بشما اطلاع میدهد) اما در مسئله ارتباط این مطلب با اسعار این را خیال میکنم بگذارید در همان ماده خودش بهتر است برای اینکه زیاد اینجا مباحثه نکنیم.

رئیس - آقای بیات (حاضر نبودند) آقای کازرونی **کازرونی** - مخصوصاً بنده عقیده دارم که دولت راجع باین قانون طوری ب مردم نشان بدهد که خودش را در مقابل هر ادعا و گفتگویی یک نفر آدم عادی فرض کند مثل يك آدم عادی در مقابل يك آدم عادی دولت بایستی اینطور نشان بدهد زیرا که دولت بیش از پیش محتاج به جلب اطمینان و اعتماد است و این مسئله حاصل میشود باینکه در بعضی موارد و مخصوصاً در قسمت تقویم اجناس که بنده نظر باطلاعی که دارم گمرک بر طبق

خواهد شد چه حاصل این مال التجاره است قیمت مشخص و محدودی ندارد این است که بنده مخصوصاً خواهش میکنم موافقت بفرمائید عده مخصوصاً مرکب از تجار و نماینده گمرک در همین قانون مشخص و معین کنید برای تقویم اجناس منافاتی هم با مقصودتان ندارد اصل پیشنهادتان هم همین بوده است و میدانم چه مصلحتی اقتضا کرده است که این جمله را حذف کرده‌اید **وزیر عدلیه** - بنده اطمینان میدهم به آقا و همه آقایان دیگر که دولت البته نمیخواهد خودش را در این قضیه با یک حقوق مخصوص و وضعیت خاصی در این قضایای تجارتنی فرض کند و مسلم است مثل یک نفر آدم عادی با عبارت دیگر همانطور که اشخاص دیگر بایستی رعایت قانون بکنند دولت خودش هم مقید خواهد بود رعایت بکند اگر حرفی دارد مطابق قانون و دیگران هم اگر حرفی دارند مطابق این قانون باشد تمام نگرانیها در این است که در تقویم مبادا یک اجحافی بشود یک تعدی بشود قیمتی بگذارند در مال التجاره که آن قیمت فروش مال التجاره نباشد یعنی مال التجاره بآن قیمت بفروش نرسد اول دولت خیال کرده بود برای رفع نگرانی و برای اینکه بحقیقت بهر اندازه که ممکن است نزدیکتر شده باشیم هیئت مقومه با مشارکت تجار تشکیل بدهد و این مسئله را در خود قانون بنویسد در پیشنهاد دولت هم همانطور که آقا یادآوری کردند همینطور ذکر شده ولی پس از آنکه در کمیسیون مذاکره کردیم بنظر اینطور رسید و دولت هم همان نظری را که در کمیسیون اظهار شده بود بالاخره ترجیح دارد که ما در این قسمت بخصوص بهتر است که امر را بنظامنامه مراجعه کنیم امروز نوشتن این در دفاتر گمرک در تمام دفاتر گمرک ممکن است این مسئله میسر نباشد (کازرونی - هست) اینطور نیست بجهت اینکه ما دفاتر گمرکی داریم که عده تجار آنجا خیلی کم است دوسه نفر است نمیشود گفت بشارکت تجار و بالاخره بهتر این دیدیم که همان نظر اول را تعقیب کنیم یعنی تجار را مشارکت بدهیم منتهی اگر در یک

نقاطی این مسئله میسر نبود یک محل دیگری فکر کنیم و برای اینکه این قسمتها اگر در قانون الان نوشته شود بعد از فردای روزی که میخواهیم برویم اجرا کنیم یک مشکلاتی بر بخوریم که مجبور شویم بلافاصله یک قانون دیگری بیاوریم بهتر این دیدیم که این را با مشارکت اشخاصیکه دارای اطلاع هستند آن طریق را اتخاذ کنیم که بیشتر نزدیک بعمل باشد اگر مقصودتان این است که ما شرکت داده باشیم بتجار بنده عرض میکنم که این مقصود را عملی خواهیم کرد و صرف نظر نشده است از این نظر اگر ملاحظه بفرمائید در خبر کمیسیون هست برای اینکه بعضی مواردی را که تذکر دادند میسر نباشد دولت بهتر دید که این مسئله را بگذارد در نظامنامه در قانون ننویسد که بعد در عمل باشکال بر بخورد و حالا هم خیال میکنیم بان مذاکره که قبلاً شده بود آقای مخبر هم همین اطمینان را داده بودند و بنده هم این اطمینان را میدهم چون ماده ده را بنده ببینم یک قدری سنگین شده آقایان قانع شده باشند

جمعی از نمایندگان - کافی است.

دکتر طاهری - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

دکتر طاهری - اینکه میفرمایند این ماده قدری معطلی پیدا کرده است (صحبت بین نمایندگان). چرا حرف میزنید؟ (خنده) برای اینکه در حقیقت ماده مهمی است این ماده ام‌المواد این قانون است و اتفاقاً طوری تنظیم شده که مطالبش پیچیده شده چند جایش باهم متضاد واقع شده اولاً اینکه قسمت اول ماده با آخرش متضاد است برای اینکه اول ماده میگوید اداره گمرک مکلف است تقویم را بنرخ دفتر صدور معین کند این اولش است آخر ماده میگوید نظامنامه محل تقویم را معین میکند طرز تقویم مال التجاره های ورودی و صدور و تعیین مقومین و محل تقویم بر طبق نظامنامه مخصوص بعمل خواهد آمد. خود حضرت آقای وزیر عدلیه هم حالا فرمودند ما نمیدانیم محل تقویم کجاست

در صورتیکه اول ماده معین میکند که محل تقویم اداره گمرک است این یکی قسمت دومش تضادی که دارد با ماده هشت است که در ماده هشت گفتیم که خارج کردن کلیه اجناس ورودی از گمرک که میخواهند خارج کنند مربوط بآرائه تصدیق صدور است یعنی کسی که صاحب مال هست تصدیق صدور را باید داشته باشد تا وقتی که جنس را میخواهد از گمرک خارج کند آرائه دهد در این ماده میگوئیم که در وقتیکه جواز را میخواهند بتاجر بدهند تصدیقش را میگیرند تصدیق ندارد که وقتی در گمرک بخوانند جنس را خارج کنند آرائه بدهد پس این را ما ممکن است اینطور اصلاح کنیم که در موقع خروج از گمرک جواز ضبط نشود نه در موقع ورود که اینجا نوشته است در موقع دادن جواز ورود تصدیقیامه های صدور ضبط خواهد شد اگر در موقع دادن جواز تصدیقیامه هارا ضبط کنیم در موقع خروج از گمرک که مطابق ماده هشت میخواهیم جنس را از گمرک خارج کنیم که نمیتوانیم بنابراین خوب است در این قسمت یک امعان نظری بشود پیشنهاد هم شده.

مخبر - عرض کنم تبیینی که در اول بیان

کردند تبیین ندارد در قسمت اول ماده میخواهد بگوید که نرخ جنس را مطابق آن نرخ که در دفتر صدور هست معین خواهد کرد فرض بفرمائید مثلاً کتیرا از بندر بوشهر میخواهد خارج بشود در بوشهر چقدر قیمتش است نه اینکه قیمت کتیرا را در بندر معین بکنند یا در کرمان یا اصفهان حساب کنند آنوقت بعد در آخر ماده هم نوشته که محل تقویم بعدها معین می‌شود این را خدمتان عرض کنم که محل تقویم را سابقاً در اداره گمرک خیال میکردند راه عملی هم این بود بعضی از اعضاء کمیسیون ایراد کردند که ممکن است بعضی مال التجاره‌هایی باشد که برای آنها در بندر صدور عدلشان باز شود و دوباره بسته‌شود در صورتیکه مقتضی باشد که در همانجائی که بسته‌می‌شود دیگر باز نشود در این مورد یک نظریه پیدا شد که در همان محل بسته شدن مال التجاره در همانجا تقویم شود و تقویم همانجا مدرک

باشد برای تقویم مال التجاره و گمرک هم قبول کند مبنی بر این دو نظر اینطور معین شد که در نظامنامه باشد که يك طوری بشود در نظامنامه که هم مال التجاره اگر ممکن است در گمرک تقویم شود و اگر ممکن نشود در همان محلی که بسته می شود تقویم بشود و بنظر بنده آن قسمت بنایبی که فرمودید در ماده ده نیست ولی در اوایل ماده مراجعه کنید راجع بنرخ اجناس است در دفاقر گمرکی (ظاهری - عبارت را میگویم) قیمت حقیقی صادرات را مطابق نرخ محل دفتر صدور معین کرده. (دکتر ظاهری - جلوترش را به بینید میگوید باید در اداره گمرک تقویم کرد) بلی این از وظایف اداره گمرک است اما باید بینیم اداره گمرک در کجا تقویم بکند در اصفهان هم اداره گمرک بکفر مأمور بگذاورد که اگر اجناسی میخواهد در آنجا عدل بندی بشود همانجا تقویم بکنند این است که در نظامنامه معین خواهد شد اما در قسمتی که فرمودید راجع بماده هشت حالا البته ممکن است فرض کرد که تصدیق صدور را در موقع جواز ورود بدهند و يك المثنی باو بدهند که المثنی را هم در موقع خارج کردن از گمرک ارائه بدهند علی ای حال ممکنست پیشنهاد کنید و در کمیسیون مذاکره شود اگر لازم نباشد حذف شود

جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود رأی میگیریم بدو بکفایت مذاکرات آقایانیکه با کفایت مذاکرات موافقت قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان بر خاستند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهادات مربوطه بماده ۱۰ قرائت میشود:

پیشنهاد آقای حاج میرزا حبیب الله امین

بنده قسمت ماده - ۱۰ را پس از جمله معادل

مبلغ صادرات باین نحو پیشنهاد مینمایم

معادل مبلغ صادرات و بر طبق مدتیکه از طرف صادر

کننده برای فروش اسعار بدولت معین گردیده بخود یا

حواله کرد صادر کننده میدهد

که شما جنستان را اینطور مثل کالیفرنیا درست کنید بعد از اینکه این جنس را در دماوند و خراسان درست کردند و قتیکه رفت دیدند زیاد این را دود داده اند خریدار نداشت چنانچه در جنس کشمش سبز در آذر بایجان بیست و نه و اکنون ماند روسیه نخرید بعد ایتالی مشتری او شد دو مقابل روسیه خرید همان کشمش سبز پس بعضی متاعهاست که در يك ولایت می پسنند و در يك ولایت نمی پسنند چون این موضوع وارد میشود خسارت و ضررش متوجه اشخاصی میشود که تهیه مال التجاره میکنند بنده باین لحاظ است عرایضی که میکنم فرض کنید مثلا پنبه امروز وزارت اقتصاد نمونه های پنبه میدهند این نمونه ها را ممکن است از بازار یا از جا های دیگر خرید مثلا برنج را که نمونه میدهند بمردم گمرک از روی نمونه میفرستد بیازار برنج خیلی عالی رشت را میفرستند آنها میگویند مطابق این نمونه باید صادر بشود در صورتیکه در بازار روسیه مطابق این نمونه هیچ خریدار ندارد بهیچوجه آقایان نمایندگان مازندران و کیلان هستند و میدانند برنجی که روسیه از ما میبرد برنج درهم است نه آن برنج صدری عالی آن برنج مصرفش در داخله است این برنج به خارج نمیرود من جمله خشکبارهاست و همینطور پنبه ملاحظه فرمائید البته پنبه را وقتی ما اسباب داشته باشیم و پنبه را خوب درست کنیم بفرستیم خوب بفروش میرسد ولی نداریم فقط یکی دوجا هست یکی در بندر جز است کارخانه بزرگ همان است که آن پنبه را بوسائل صحیح ناچه بندی میکنند که بعد از آن میرود بخارجه توی کارخانه دیگر احتیاج بچیز دیگر ندارد يك کارخانه دیگر هم در ورامین است بقیه ندارد و باید همان بازار خودش را ملاک قرار داد قیمت آن پنبه باین خیلی تفاوت دارد و وقتی که گفته شود باید پنبه را مثل آن پنبه بفرستید اسباب موجود نیست که تهیه بکنند اسباب موجود نیست که خشکه بار را آنطور که باید تهیه بکنند برنج هم همینطور مثل اینکه از خارجه وارد مملکت میشود خیلی چیزهایی است

که از خارجه وارد مملکت ما میشود و يك چیز های خیلی مزخرفی است آنها هم وارد میشود و اینکه در احصائی گمرک بنده دیدم که ۱۲۶ هزار تومان منسوجات ابریشمی مهیا کرده از خارجه بایران آمده ولی در مقابل ۱۶۶ هزار تومان از اینجا بخارجه میرود در صورتیکه از آنجا شش میلیون تومان لباس از آنجا دوخته میآید باز از ایران بیش از دوست هزار تومان لباس دوخته بیرون نمی رود پس باید دولت مراقبت سکند که مال التجاره خوب برود و هرچه مرغوب باشد البته بهتر است ولی هر بازاری يك مال التجاره را می پسنند همه يك طریق نیست و بنده در این خصوص يك پیشنهادی کردم و آن پیشنهاد را حالا میدهم ولی عمده در این است که اگر ما بخواهیم بکلی بگوئیم که مطابق نمونه وزارت اقتصاد باشد مطابق او و قتیکه گفتیم تمام مال التجاره نمیرود علاوه آقای وزیر عدلیه فرمایشی فرمودند که انحصار داده نخواهد شد ولو به پنج نفر، چهار نفر داده نخواهد شد مسئله تجارت منحصر به آنها نخواهد شد ولی در روزنامه اطلاعات دیشب خواندم که امروز يك عده تجار رفته بودند وزارت اقتصاد و وزارت اقتصاد دعوت کرده بود که دولت تمام آن حقوقی که دارد واگذار به آنها بکند این در روزنامه نوشته بود هر چند آقای وزیر عدلیه این فرمایش را فرمودند که انحصار باشخاصی نمی شود اما چون دیده ام باید بگویم که نمایندگان ملت هستیم این که در روزنامه نوشته است این طور نوشته بود ولی برای اینکه ما بفرستیم نمایندگان ولایات هستیم باید ملاحظه تجار ولایات را هم بکنیم و دولت هم البته این رعایت را خواهد کرد و اگر انحصار بدهند به تجار این جا برای ولایات خوب نیست.

وزیر عدلیه - اول از قسمت آخر فرمایشات آقا شروع میکنم که در روزنامه اطلاعات خوانده اند که دولت میخواهد حق انحصار خودش را يك عده از آقایان تجار که دیروز دعوت کرده اند در وزارت اقتصاد ملی واگذار کند بنده روزنامه اطلاعات را خواندم

ولی چون خیلی نظر اجمالی انداختم ملتفت نشدم ولی اگر چنین چیزی بوده است بنده این را جد آنکذیب میکنم که دولت همچو قصدی نداشته و همچو قصدی هم نخواهد داشت پس بنا براین راجع به این قسمت که فرمودند در قسمت اخیر رفع هر قسم نگرانی آقا خواهد شد حالا میرسیم به قسمت بیاناتی که فرمودند در مسئله جنس باب بازار ما هم يك چنین چیزی ندانم جا توشستم که مخالف مقصود آقا باشد ما این جا توشستم که بهترین جنسی که فرضاً در پاریس ممکن است مصرف بشود ولو این که بتوانیم مطابق آن جنس بخارج ببریم نمونه آنرا درست کنیم و بگوئیم در پاریس اگر بخواهید این جنس را بمصرف برسانید باید با این جنس باشد و همان نمونه را درست کنیم حالا ممالک دیگری که از ما جنس میبرند آنها را هم در نظر نگیریم و يك جایی که خیلی مشکل پسند است در نظر داشته باشیم ما این طور که توشستم ما نوشتیم جنسی که مرغوب باشد البته نگاه میکنند که این جنس کجا میرود و در آن جا چه طور مرغوب خواهد بود و بهتر مشتری خواهد داشت و بهتر فایده خواهد کرد آنوقت يك کاری میکنند که جنس های بد و جنس آشغال نرود و اسباب زحمت خود آن صادر کننده و آنهایی که او را تهیه کرده اند بشود و بالاخره مقصود این است حالا آقا چون پیشنهاد دادید البته آن پیشنهاد میرود در کمیسیون و اگر دیدیم که آن عبارت بهتر مقصود دولت و مجلس را تأمین میکند آن پیشنهاد قبول خواهد شد اما این قسمت که فرمودند که از خارج هم جنس مزخرف خیلی میاید این جا دلیل نمیشود که ما هم جنس مزخرف خارج کنیم و این را بنده قبول ندارم باید نه جنسی که از خارج می آید اگر مزخرف است بخریم و جنس مزخرف هم نباید بفرستیم بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

پیشنهاد آقای هزار جری

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی . پیشنهاد مینمایم ماده ۱۱ بطریق ذیل تنظیم شود :

ماده ۱۱ - دولت مکلف است موجبات مرغوبیت هر يك از محصولات صدوری مملکت را تهیه کرده

بخود صادر کننده بیش از صدی بیست اجازه ورود را نمیدهد و بقیه آن بین سایر وارد کنندگان تقسیم خواهد شد.

در صورتیکه صادر کنندگان پاره اجناس به ممالک معینی از الزام فروش اسعار خود بدولت معاف شوند در مقابل دولت نیز برای وارد کردن واردات آن ممالک از دادن اسعار خودداری خواهد نمود.

رئیس - آقای بوشهری .

بوشهری - در این ماده نوشته شده است که هر صادر کننده اسعار خود را بقیمتی که در موقع صدور در اداره گمرک جنس تقویم شده است به دولت بفروشد بنده عرض میکنم که اگر این سیاست را تعقیب کنیم اصلاً باز کسر صادرات حاصل میشود بدلیل اینکه قبل از وضع این قانون اغلب از اجناس ایران در بازارهای اروپا ضرر می کرد و تاجر صادری کننده بامید آن که در برابر این اجناس صادری اجناس اروپائی وارد و خواهد کرد و آن اجناسی را که صادر میکرد صدی ده ، صدی بیست صدی بیست و پنج ضرر را برای خودش راه میداد برای خرید جنس و وارد کردن اجناس اروپائی که جبران آن ضرر را بکند حالا بواسطه وضع این قانون بازار اجناس اروپائی تغییر نخواهد کرد و تصدیق بفرمائید که وضع این قانون در بازار اروپا ابداً مؤثر نخواهد بود بهیچوجه فرض فرمائید که بواسطه وضع این قانون گران بشود بلکه ممکن است ارزان بشود بواسطه آنکه زیادتر خارج میشود پس اگر يك جنسی را تقویم کردید در گمرک صد تومان از آن صادر کننده هم صد تومان تعهد میگیرید که صد تومان اسعار را بشما بفروشد پس اولاً شما اینجا در برابر این صد تومان جنس صادره اجازه وارد کردن صد تومان جنس میدیدید در صورتیکه قیمت حقیقی این جنس شصت تومان است و نباید بیشتر از شصت تومان جنس وارد کند و اگر اجازه بدهید که به قدر صد تومان جنس وارد کند صدی چهل ضرر است حالا آمدیم اگر وارد نکردند آنوقت تمام تجار صادر کننده دچار يك زحمتی

میشوند که ثابت بکنند بدولت که این جنسی را که ما بردیم صادر کردیم این را ما نتوانستیم بفروشیم و باید برود وزارت اقتصاد ملی ، وزارت عدلیه و وزارت دربار و وقت خودش و وقت وزراء را تلف کند که ثابت کند که من این قیمت که این جنس تقویم شده است نتوانستم بفروشم و قیمتی که تو روی این جنس گذاشته خریدار اروپائی را ملزم نمیکند که باین قیمت بخرند پس عقیده بنده این است که يك حاشیه قائل شوید اگر میخواهید اسعار را بگیری يك حاشیه قائل شوید صدی بیست ، صدی سی حاشیه قائل شوید که اگر تا این حدود تاجر ضرر کرد دنبال ثبوت نرود که از کار و کاسبیش دست بکشد فقط برای اینکه بشما ثابت بکند که من باین قیمت فروختم و صد لیره شما از او تعهد گرفته اید و شصت لیره فروخته است چهل لیره دیگرش را را از کجا بیاورد دیگری هم نیست که از او بگیرد حالا آمدیم که صدی هفتاد قیمت را تعهد کرد که به دولت بفروشد و صدی ده آنرا ضرر کرد صدی بیست را ضرر کرد و صدی ده زیاد ماند بگذارید این صدی ده را استفاده کند و يك تشویفی شده است برای صادر کننده چرا باید حتماً صدی صدش را بدهد و بنده برای شما ثابت میکنم که این صدی صد هیچوقت عملی نخواهد شد یعنی این قیمتی که شما این جا معین میکنید آنها نخواهند فروخت این یکی . عرض دیگر بنده راجع به مدت است این جا نوشته شده است در ظرف مدتیکه در موقع صدور تعهد خواهد کرد . این مدت را که معین خواهد کرد یعنی يك مدتی معین میشود بتوافق نظر تاجر و رئیس گمرک یا اداره جواز البته اداره جواز صرفه اش در این است که هر چه زود تر اسعار بدست بیاورد بتاجر میگوید که من سه ماه بتو مهلت میدهم ، چهار ماه بتو مهلت میدهم تاجر صرفه اش در این است که آزاد باشد و به عجله جنس را بفروشد و اگر يك وقتی وارد بازار شد و ضرر میکرد به عجله جنس خودش را بفروشد و سعی کند هر چه ممکن است

مدت طولانی تر باشد و اگر اختلاف در سر مدت شد حکمشان کمی میشود، کمی این جا حکم خواهد شد پس خوب است يك مدت حد اقلی قائل شوید که اگر اداره جواز یا رئیس گمرک خواست کم معین کند تاجر بگوید که مطابق قانون بایستی رفتار کنی مثلاً این هشت ماهی که در قانون نوشته شده است یا یکسالی که معین شده است معین شود کمتر از این دیگر چرا اما این که بدون مدت گذاشتید همیشه يك اشکالی برای مدت معین میشود در صورتیکه برای جواز ورود یکسال وقت قائل شده ایم برای صدور مدت زیاد تر لازم دارد دو برابر وقت لازم دارد زیرا ورود جنس یکسال بهیچوجه وقت لازم ندارد از امریکا جنس بخواهید در ظرف سه ماه سه ماه و نیم جنس وارد میشود از اروپا جنس بخواهید در عرض دو ماه ممکن است جنس وارد شود ما برای آنها يك سال مدت قائل شده ایم در صورتیکه برای صدور جنس اگر برای اروپا باشد دو ماه و دو ماه و نیم وقت لازم دارد که جنس به محل برسد دو ماه دو ماه نیم هم وقت لازم دارد که يك بازار مساعدی پیدا شود ممکن است يك وقتی جنس به بندر برسد که کشتی حرکت کرده باشد هر روز هم که کشتی برای بنادر حرکت نمیکند تا کشتی برگردد اینجا يك ماه، چهل روز باید معطل شود این تاجر تا چه مدت باید جنس خودش را به آنجا برساند الان اجناس ایران هست که در اروپا یکسال یکسال و نیم در انبار مانده است که فروش نرفته مثلاً اگر صادر کننده قالی بخواهد صادر کند با این موجودی زیاد قالی که در امریکا و لندن و اسلامبول است چه مدتی برایش قائل خواهید شد میخواهید در یکسال بفروشد و پولش را بیاورند اینجا؟ در صورتیکه تجاری هستند که یکسال و نیم قالیشان در امریکا هست و مجبور شده اند که برای مخارج انبار و گمرکش از اینجا پول بفرستند شما این تاجر را میگوئید سند بمن بده که اسعاری که از فروش این جنس حاصل میشود بمن بده این يك اسعار اضافی هم لازم دارد برای مخارج گمرک آن مال. پس این جا هم عقیده بنده این است که يك حد اقلی برای مدت معین کنید که اگر توافق نظر حاصل نشد

شما می آید این جا يك قیمتی را که در بازار داخلی تان قیمت این جنس میدانید این را در نظر بگیرید و به آن مقدار تعهد بگیرید و این جنس میرود در بازار خارج و به آن قیمت بفروش نمیرسد و بعد شما مطابق این تقریبی که کرده اید اسعار میخواهید و آن کسی که تعهد کرده است که بشما اسعار بدهد در زحمت خواهد افتاد یعنی صادر کننده. بنده در جواب عرض میکنم که اولاً اگر بنا شد اساس صادرات ما روی ضرر باشد که ما هر چه صادر کنیم بضرر صادر کنیم که بنده می بینم این فرض اصلاً وجود ندارد که اگر تاجر دید يك مرتبه ضرر کرد این یکمطلبی است دوم مرتبه ضرر کرد این یک چیزی، دفعه سوم به بنده مراجعه اش بدهید که بعدی العموم بگویم برای او قیم معین کند (خنده نمایندگان) يك تاجر یکبار داخماً جنس بخارج میرود و بهمان تناسبی که جنس صادر میکند بهمان تناسب هم ضرر میکند...

بوشهری - اجازه بفرمائید صورتش را بدهم خدمتتان
وزیر عدلیه - خوت بله اگر دائماً این کار را میکند باید همان کار را کرد پس عملاً چه میشود؟ عملاً این می شود که ممکن است همانطور که شما میفرمائید يك ترقی آتی در بازار پیدا شود و يك اجناسی بی خودروی حرف و روی باصطلاح هو بیاید و ترقی بکنند در صورتیکه همانطور که گفتند در بازار خارج این هو و این حرف تأثیری نخواهد داشت و قیمت خودش را خواهد داشت این جنس. اگر بنا باشد که يك همچو ترتیبی پیش بیاید يك مرتبه دو مرتبه يك تجاری آمدند جنسی را خریدند بعد دیدند که این جنسی را که میبرند آن جا کسی نمیخرد اصلاً در آتیه نخواهند خرید با این قیمت و مردم وقتی دیدند این جنس را از شان نخریدند باین قیمت یا بامیل یا با اکراه مجبور هستند که قیمت را پائین بیاورند پس این ترقی و ضرر يك امر موقتی است و این روی هو و جنجال چیزی است که موقتا پیش می آید و الا تجار مملکت را نمیشود گفت که يك عده هستند که بیچاره کارشان این است که هی این جنس را میخرند و میبرند آن طرف و ضرر میکنند و می آیند اینجا و میگویند

که ما ضرر دادیم و آن امر موقتی را بایه قانون قرار بدهند باز هم عرض کردم که راه حلی برای این کار هم معین کردیم که میتواند بیاید بگوید بموجب اسناد و مدارکی که دارد یعنی خلاصه صورت حساب که برای فروش دارد می آورد دولت هم يك دقت و مطالعه خواهد که کلاه نسازند و صورت حساب ساختگی هم درست نکرده باشد اینرا هم میگویم که در هر حال صورت حساب واقعی خودش را وقتیکه داد و دولت دید که واقعا ضرر کرده است بالاخره از کجای این آدم میتواند بیاید لیره بگیرد در صورتیکه این مسئله معین شد که بیشتر از آنچه که در آن صورت نوشته اند توانسته است گیر بیاورد و اگر بنا شد که این جنس را برد و ضرر کرد پس وسیله دارد که برساند که من بیش از این لیره ندارم و چون اینقدر ضرر کرده ام نمیتوانم بدهم دولت هم موافقت میکند اما این را نمیشود راه دائمی قرار داد برای تمام اشخاص که خودشان را از تعهد پرداخت و تسلیم اسعار معاف بکنند (بوشهری يك حاشیه قرار بگذارید) اینجا آقای بوشهری يك نظری داشتند در کمیسیون گفتند رد شد در فرا کمیسیون فرمودند رد شد در مجلس اظهار میکنند باز ما با او موافق نیستیم پیشنهاد میدهند در این خصوص ممکن است در کمیسیون با حضور خودشان بحث میکنیم در هیئت دولت هم مباحثه میکنیم ولی تا يك دلیل بیشتری بیش از آنچه که تا بحال گفتند نیاورند که ما متوجه نشویم که مضر است موافقت نخواهیم کرد و ممکن است باز هم رد شود راجع به این مسئله حاشیه ممکن است پیشنهاد بفرمایند. راجع به مدت هم فرمودند بنده نمیخواهم اینجا وارد تفصیل قضیه بشوم ممکن است آقای بوشهری پیشنهادی در اینخصوص بکنند و در کمیسیون با حضور خودشان صحبت میکنم به بینم ممکن است و خوب است که يك حد اقلی برایش قرار بدهیم از مثالهایی که زدند توی اجناس قالی را گرفتند و فرمودند که دو سال آنجا مانده است حد اقل تعهد را بیائیم و دو سال قرار بدهیم که نمیشود اگر بگذارید این را در نظامنامه معین کنیم

بهرتر است و ما اینطور در نظر نداشتیم که آن مدت را اداره گمرک یا اداره دیگری که جواز مبادع خودش معین کند و بنده هم کاملاً با شما موافق بودم که نباید این اختیار را داد دست مأمورین برای اینکه ممکن است از سوء استفاده بشود ما گفتیم این را در نظامنامه بگذاریم و ما از روی تجربه به بینیم یعنی به بینیم نسبت به جنس و مملکت مقصد که باید چه جور تعهد گرفت و چه جور بایستی رعایت کرد و اگر بعضی قسنتها را متوجه نشده ایم بعد توجه دادند آن راهم اضافه کنیم با وجود این اگر پیشنهادی دارید در این قضیه بدهید در کمیسیون مورد مطالعه می شود ولی بنده باز عرض میکنم و خیال بنده بوفکر بنده بیشتر می رود روی این که این قسمت ها را بیشتر در نظامنامه قائل شویم و باید نگاه کرد به جنس و نوع مال التجاره و ترتیبی که آن اجناس بفروش می رسد يك چیزهایی هست که نباید مدت طولانی برایش گذاشت (بوشهری - همان یکسال باشد) و يك چیزهایی دیگری هم هست که بالاخره مدت طولانی لازم دارد و باید برای آنها مدت طولانی معین کنیم آقا میفرمایند که یکسال قرار بدهید فردا این جا يك اشخاصی آمدند جنس صادر کردند باید که در مقابل اینها يك اسعاری بیاورند بدهند که در مقابل آن کسی که میخواهد جنس وارد کند بنده دولت بتوانم اسعار بدهم یا خیر؟ اگر بنا باشد شما مدت طولانی گذاشتید در این مدت هیچ واردات نباید داشته باشید؟ پس گذاشتن این را در نظامنامه بهتر است بواسطه اینکه تازه اول کار است و ما تجربه نداریم بهتر است که در نظامنامه بگذاریم. يك موضوع دیگری که فرمودند باز در کمیسیون و در فراکسیون راجع به این است (خواهش میکنم آقایان در این قسمت توجه فرمایند) ما در قانون پس از مشاوره با اعضاء کمیسیون با اعضاء فراکسیون آمدیم و آن فرمولی که داشتیم تغییر دادیم سابقاً چه نوشته بودیم؟ نوشته بودیم که وقتی که يك کسی جنسی صادر میکند مطابق قیمت تقویمی صدی صد اسعارش را بدهد چه میشد مطلب؟ این میشد که اگر شما يك جنسی صادر میکردید باید اسعارتان را بیاورید بفروشید بعد خودتان هم اگر میخواستید

جنسی وارد کنید آنوقت باید بیاید بنوبه با اصطلاح در يك جایی که اسعار می فروشند بایستید که کی بشما نوبه می رسد امروز شما اسعار جنس خودتان را بنوبه تحویل میدادید بعد خودتان میخواستید جنس وارد کنید بنوبه که مراجعه میکردید میگفتیم که حالا صبر کنید بنوبه تا موقع شما برسد و ممکن بود که دو ماه معطل شوید این را در کمیسیون مذاکره کردیم و بالاخره دولت موافقت کرد که بیایم بگوئیم آن اشخاصی که خودشان جنس صادر کرده اند اینها میتوانند اسعار بدهند یا جنس وارد کنند چرا اول ما گفتیم که اسعار میخواهیم برای این که در مرحله اول که واردات خارجی خودمان را میخواهیم وارد کنیم پولش را بتوانیم پرداختیم پس از برای واردات است پس اگر آن کسیکه خودش صادر کننده است آن جنسی را که ما بهش احتیاج داریم آن جنس را آورد برای چه دیگر ما باو بگوئیم که شما بایستی اسعار بدها بدهید و شما معطل شوید و برای وارد کردن جنس خودتان اسعار بخواهید بعد آن فرمول اول را عوض کردیم که صادر کننده حق دارد که عوض اسعار در آن مدتی که معین شده است جنس وارد کند حالا آقای بوشهری میخواهند يك قدم بالاتر بگذارند و آن چیست؟ آن این است که میگویند صادر کننده اگر جنس وارد کرد از تعهد اسعارش معاف باشد و بتواند بدیگری وا گذار کند بعبارة اخری برات فروشی بکنند معنی این حرف آقایان است که من جنس صادر بکنم پول که پیدا کردم برات فروشی بکنم اینکه دیگر موضوع نرخ رسمی از بین می رود و دیگر کنترل نمی شود و معنی نخواهد داشت وقتی که شما اجازه دارید که بدون نظارت و کنترل دولت بروید و برات بفروشید نتایجی که از آن برخاسته میشود آنرا باید از اول در نظر بگیرید و به بینید نتیجه آن چه میشود؟ (بوشهری - توسط بانک بفروشند) شما بایستی که هر کس که میگوید من جنسی در مقابل این جنسی که صادر کرده ام میخواهم وارد کنم بهش اجازه بدهید این خیلی خوب است و دیگر اسعار هم نمیخواهد اما آن کسی که میخواهد این را ببرد در بازار غیر رسمی این اسعارش را به قاچاق بفروشد خلاصه اش این خواهد شد که بکلی کنترل و نظارت

بهم بخورد برای این که اگر میخواست به بانک بفروشد که کسی اشکال نمیکرد میخواهد آنرا ببرد در بازار غیر رسمی به نرخی که خودش میخواهد به قاچاق بفروشد و این بکلی مخالف قانون کنترل اسعار است و قانون کنترل اسعار از اول تا آخرش از بین خواهد رفت و از برای این مملکت بقیده بنده باید گذاشت یکسال، دو سال با این قانون عمل کنیم هر وقت دیدیم که این قانون اثر خودش را کرد و تعادل شد واقعاً بین صادرات و واردات آنوقت این کنترل را ول کنیم اما هنوز، که نشده است هنوز در آن مقدمه و فصل اول کار هستیم شما در يك چنین موقعی میخواهید بکلی کنترل و نظارت اسعار را از بین ببرید و آنوقت با این سرحدات عرض و طویل و وولنگ و باز که بالاخره از هر طرف هزار قاچاق می شود کرد از یک طرف قاچاق کنند و از طرف دیگر هم جنس وارد کنند بدون اینکه (تعمیری که می شود این است) از دفتر گمرک وارد کرده باشیم از راه دیگری وارد بشود و بنده و آقا واقعاً دلخوش هستیم که از سرحد واردات و صادرات مملکت را تعادل کنیم و بنده خواهش میکنم که این نظر خودتان را در این قسمت تعقیب نکنید برای اینکه شما نیت خوب دارید و این بمنفعت کسانی که میخواهند قاچاق بکنند تمام میشود و قاچاق خواهند کرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ بطریق ذیل نوشته شود
ماده ۱۳ - کلیه صادر کنندگان مکلف هستند که صدی هشتاد اسعار حاصله از فروش مال التجاره صادره خود را بدولت بفروشند ولی هرگاه باعتبار و در حدود تصدیقات صدور صادر کنندگان و بموجب جواز مال التجاره وارد شود از الزام واگذاری اسعار معادل قیمت اجناس وارده معاف خواهند بود تصدیق صدور اجناسیکه بطور انحصار صادر میشود بیش از صدی بیست اجازه ورود بخود صادر کنندنده نمیدهد و مابقی بدولت فروخته میشود

پیشنهاد آقای فرشی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته این بنده پیشنهاد میکنم در ماده (۱۳) صدی صد تبدیل به صدی هشتاد شود

پیشنهاد آقای کازرونی

در ماده ۱۳ بترتیب ذیل اصلاح پیشنهاد میکنم هر صادر کننده ملزم است که در ظرف مدت یکسال صدی هشتاد اسعار خارجی صادرات خود را بمیزان تقویم جنسی که در موقع صدور بعمل میاید بدولت بفروشد.

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

پیشنهاد مینمایم سطر دوم ماده ۱۳ به ترتیب ذیل اصلاح شود:

صدی صد اسعار خارجی صادرات خود را بمیزان تقویم جنسی که در موقع صدور بعمل می آید به بانک ملی ایران بفروشد الی آخر.

رئیس - ماده چهاردهم قرائت میشود:

ماده ۱۴ - نسبت به اجناسی که جزء فقره (ب) از ماده پنج بوده و مطابق ماده شش قانون متمم اسعار خارجه اجازه ورود داشته و تا قبل ازدهم اسفند ۱۳۰۹ بمقصد مستقیم ایران حمل شده باشد تا آخر اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ اجازه ورود داده خواهد شد مشروط بر این که وارد کنندنده تعهد کند که بمیزان اجناس ورودی خود محصولات ایران را در ظرف چهار ماه صادر نموده و یا تصدیق صدور تسلیم نماید

(معارضی نبود)

رئیس - ماده پانزدهم قرائت میشود:

ماده ۱۵ - کلیه اجناسی که جزء فقره (ب) ماده پنج بوده و پس از اجرای این قانون و بر خلاف مقررات آن وارد مملکت شود قاچاق محسوب و ضبط خواهد شد (معارضی نبود)

رئیس - ماده ۱۶ قرائت میشود:

ماده ۱۶ - این قانون پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود و وزارت اقتصاد ملی و سایر وزارتخانهها در حدود وظایف خود مسئول اجرای این قانون خواهند بود.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود در این جا نوشته است وزارت اقتصاد ملی و سایر وزارتخانهها مسئول اجرای این قانون خواهند بود در صورتیکه بنده عقیده ام این است که مأمور اجرای این قانون وزارت مالیه میشود اجرای این قانون اغلب بدست گمرکات است و تمام کارها مربوط بگمرک است و اجرای این کار بیشتر با مالیه است در صورتیکه آقای وزیر مالیه هیچ بمجلس تشریف نیاوردند حالا آقای وزیر اقتصاد مداخله دارند خیلی خوب ولی بالاخره چقدر مداخله دارند فرضاً بوزارت بست و تلگراف چقدرش مربوط میشود اصل تکلیف دو وزارتخانه است وزارت مالیه و در درجه دوم وزارت اقتصاد ملی است و این جا قضیه معکوس شده است باید نوشته شود وزارت مالیه و وزارت اقتصاد ملی (بوشهری - بوزارت مالیه مربوط نیست). وزیر عدلیه - عرض کنم اولاً در آن قسمت که دو

وزارتخانه مأمور اجرا است این يك فرمولی است كه در بعضی مواقع میگذارند و بدهم نیست وقتی كه قانون نوشته میشود هیئت دولت مسئول اجرا است وقتیکه نوشته میشود هیئت دولت مأمور اجرای این قانون است در هر قسمتی كه ممكن است مربوط بیک وزارتخانه دیگر بشود مثلاً وقتی كه راجع به قاچاق است و مجازات دارد البته مرجع آن محاکم عدلیه است، وزارت عدلیه است حالا اگر میخواهند سریع باشد پیشنهاد بفرمائید از اول هم اینطور بود شاید در چایش اشتباه شده.

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای رهنما و سایر آقایان: ماده الحاقیه - دولت مکلف است نسبت به کارخانجات و مؤسساتیکه بر اثر این قانون و در مدت اجرای آن برای رفع حوائج داخلی بوجود می آید سیاست حمایت را تعقیب و تا مدت یا تازده سال تجارت اجناس متشابهی که بوسیله کارخانجات مزبوره تحصیل میشود در انحصار خود نگاهدارد. رهنما - ارکانی - اورنگ - طباطبائی دیبا یاسائی - اعتبار - ملک مدنی - هزار جریبی - بهبهانی لاریجانی - و دوسه نفر دیگر.

رئیس - رأی میگیریم بورود درشور دوم موافقین با ورود درشور ثانی قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند) تصویب شد.

[۳ - موقع ودستور جلسه بعد .. ختم جلسه]

رئیس - بانتظار پنجروز بین الشورین اگر اجاره میفرمائید جلسه آینه چهارشنبه بیستم اسفندسه ساعت قبل ازظهر (صحیح است)

(مجلس سه ربع ساعت بعد ازظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - دادگر